



حاج شیخ جعفر شوشتري

همکار گرامی و دوست دانشمند جناب آقای دکتر وحید نیا این افتخار را به بنده دادند تا برای مجله وزین و گرانمایه وحید مقاله‌ای تنظیم و تقدیم کنم مدتی برای موضوع مقاله فکر کردم بالاخره با موافقت معزى الیه تصمیم گرفتم شرح حال و تراجم احوال جدم مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتري را تا حدودی که اطلاع دارم بر شنهٔ تحریر در آورم امید است با قلم عاجز می‌توانسته باشم شمه‌ای از زندگانی این عالم ربانی را بنظر خوانندگان ارجمند برسانم.

صدري کیوان

در سال ۱۲۲۷ هجری قمری ستارهٔ درخشانی در آسمان تقوی و فضیلت بدرخشندگی هر چه تمامتر طالع و لامع گردید این کوکب نورانی که چند سال پس از آن در ردیف بزرگترین نوابغ علم و ادب و عظیم‌ترین مردان خدا قرار گرفت مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتري قدس الله سره العزیز می‌باشد. پدر و اجداد کبارش از مجتهدین درجه اول و مرجع تقلید عده کثیری بوده‌اند. شیخ در سن ۱۵ سالگی مسقط الرأس خود شوستر را ترک گفته برای کسب فیوضات و تحصیل دانش بنجف

اشرف رهسپار شد در آنجا در حلقه درس مجتهدین و مدرسان بزرگی چون شیخ علی بن شیخ جعفر عرب و حاج شیخ مرتضی انصاری و شیخ محمدحسن صاحب جواهر وارد شده در اندک مدتی بواسطه نبوغ فکری فوق العاده که دارا بود موفق بدریافت جواز اجتهاد گردید و در زهد و تقوی بحدی رسید که مورد تعظیم و تکریم ساکنین عراق شد. در سال ۱۲۵۹ هجری قمری بخواهش عده زیادی از ساکنین استان خوزستان بخصوص مردم شوشتر نجف اشرف را ترک گفته مجدداً بزادگاه خود شوشتر تشریف فرما شد در راه احترامات و استقبالهای فوق العاده مهمی از ایشان بعمل آمد و در ایام توقفش در شوشتر شهرتش عالمگیر شد و در اغلب ممالک اسلامی و در نزد اقوام مهم عرب مصدر آنهمه نفوذ کلمه و اصابت نظر و مورد آنهمه توقیر و احترام گردید بطوریکه از فحوای گفتار حجة الاسلام والمسلمین آقا میرزا محمد همدانی که شرح حال شیخ را در کتابی بنام (غنیمة السفر فی احوال الشیخ جعفر) نگاشته اند پیدا است خواص و عوام ایران را اعتقاد و اعتماد تام بشرافت و کرامت این مرد بزرگ بوده در نزد حکام وقت و بزرگان نهایت احترام را داشته است کرامات و خوارق عادات نیز باین عالم ربانی نسبت داده میشود که نقل و ورد زبانهاست. این بزرگوار علاوه بر خدمات زیادی که در اثر تألیفات، عدیده خود بعالم علم و ادب نموده خدمات اجتماعی مهمی داشته و در هر حال بحد توانائی وسیله رفاه خاطر اهالی و مستمندان را فراهم میساخته است از جمله کارهایی که بدستور و عمت ایشان انجام شد بستن پلی است بر سد شادروان که در سمت مغرب شوشتر بر رودخانه شطیط شاخه ای از کارون واقع است ایشان با سعی و زحمت زیادی مبلغ هشتاد هزار ریال تمام ازدولت وقت گرفته پل را بستند این پل در وضع اقتصادی شهر شوشتر بسیار مؤثر افتاد زیرا بعد از بستن پل شوشتر مرکز تجارت و زانوگاه مکاریان شد و بیشتر اجناس از هندوستان در شوشتر وارد میشد و از آنجا بتهران و اصفهان و سایر نقاط حمل میگردد از جمله خدمات مهم دیگرش نگهداری از فقرا و ضعفا در قحطی سال ۱۲۸۸ هجری قمری میباشد که بکلیه تجار مسلمان دنیا نامه ها نوشت و آنان را تشویق و تحریض بانفاق و صدقه نمود طولی نکشید که از اطراف خوار و بار زیادی بشوشتر حمل گردید و

شیخ با این عمل خود توانست در روز یکنوبت بفقرا و بیچارگان خوراک بدهد شیخ بیشتر اوقات خود را صرف اغاثه ملهوفان مینمود و شب و روز جز فکر آنان بچیزی دیگر اشتغال نمیورزید .

تالیفات مهم شیخ - بطوریکه در بالا اشاره کردیم شیخ تالیفات مهمی دارد که از آنجمله رساله منهج الرشاد در طهارت و صلوة است بر این کتاب حواشی زیادی توسط علماء اعلام و بزرگان نوشته شده که اسامی آنان بدینقرار است :

۱- حجة الاسلام آقا سید کاظم یزدی ۲ - حجة الاسلام آخوند ملا کاظم خراسانی ۳- حجة الاسلام حاج میرزا حبیب اله رشتی ۴ - حجة الاسلام آیت اله بروجردی این کتاب دو دوره در بمبئی و چند دوره در تهران بچاپ رسیده است .

۲- خصائص الحسینیه در شرح حال امام همام حضرت اباعبداله الحسین (ع) است که چندین دوره در تهران بچاپ رسیده است، شیخ رانسبت بسر با ذعالبقدر اسلام حضرت اباعبداله الحسین ع ارادت عجیب بوده برای شناساندن این شخصیت ممتاز و ترویج مکتب حسینی کوششها نموده مجاهدت ها بخرج داده است . شیخ در سال ۱۳۰۲ هجری قمری بخراسان مشرف شد در بین راه تعظیمات و تجلیلات بسزائی از ایشان بعمل آمد در تهران ناصرالدین شاه دودفعه از ایشان ملاقات نمود و مردم تهران چند روزی با اصرار ایشان را برای استفاضه در تهران نگهداری کردند در مراجعت از خراسان مورخ ۲۸ صفر ۱۳۰۳ هجری قمری در کرد کرمانشاه فوت کردند جنازه ایشان را مردم دست بدست از کرد تا نجف انتقال دادند در بغداد جسد معظم بواسطه کثرت مردم و ازدحام اهالی شکست ولی بطوریکه مشهور است بمردم تلفاتی وارد نشد. عبدالله مستوفی در تاریخ مشروطیت یا «زندگانی من» شرح مبسوطی راجع بشرح حال شیخ نگاشته و چنین اظهار میکند .

(در شب فوت شیخ تاثر نجوم بعمل آمد گرچه بعقیده مردم کنونی اینگونه امور تصادفی است اما تصادف عجیبی بوده است) شعرای معاصر شیخ نیز بدین قسمت اشاره کرده اند منجمله فایز چکامه سرای معروف شوشتری میگوید:

آسمان اینهمه اختر بزمین ریخت چرا
 خاک محنت بسر پیر و جوان ریخت چرا
 فایزاین ماتم شیخ است ز دل کش فریاد
 کاتش از مرگ غمش در همه عالم افتاد

شعرای بزرگ زمانش چون شباب و فائز و وفائی درمدح و متقبش اشعار زیادی دارند و بطور نیکوئی مناقب و فضائل شیخ را بلباس نظم کشیده‌اند. علاوه بر اینها کتب زیادی در تبیین حال و تراجم احوال شیخ نگاشته شده و شرح های زیادی در صحایف و اوراق روزگار از مناقب و کراماتش بیاد گارمانده است. از شیخ سه فرزند ذکور با سامی آیت اله آقاشیخ محمد علی معروف به مجتهد و آقاشیخ اسماعیل و آقاشیخ ابراهیم بجای ماند که هر سه دعوت حق را لبیک گفته‌اند. این بود شمه‌ای از شرح حال بزرگترین عالم ربانی که در نهایت ایجاز و اختصار معروض افتاد.



شب عید است و بسیلی رخ گلگون دارم
 ورنه از زردی رخساره دلی خون دارم
 مگر امسال بیوزینه زند دور که من
 چشم امید بدین طالع میمون دارم
 مکن ای سروالم شنگه بیا بهر لباس
 که بسی خجلت از آن قامت موزون دارم
 ساخت بغداد مرا دجله چشم تو خراب
 زین غم از خون جگر دیده چو جیحون دارم
 ای که از منزل پهنساور ما بیخبری
 جای در زیر سرا پرده گردون دارم
 دور از اندیشه دیوار و در و پایه و سقف
 در بیابان جنون خانه چو مجنون دارم
 لببو خواست زمن چون بلبش بوسه زدم
 گفتم ایشوخ مگر دولت قسارون دارم
 اینهمه درد سرم در شب نوروز جم است
 یادگیری که ز جمشید و فریدون دارم

طالع
 میمون

غلامرضا
 روحانی